

شکستن طلسم وحشت

محاکمه شگفت انگیز و پایان ناپذیر

آرنال آگوستو پینوشه

آرنال آگوستو پینوشه

ترجمه

زهرا شمس



نشر کردن

Ariel Dorfman
Exorcising Terror:
The Incredible Unending Trial of
General Augusto Pinochet
 Seven Stories Press, 2002

- سرشناسه: دورفمن، آریل، ۱۹۴۲ - م.
 Dorfman, Ariel
 زبان و نام: یادآور: شکستن طلسم وحشت: محاکمه شگفت‌انگیز و پایان‌ناپذیر ژنرال آگوستو پینوشه/آریل دورفمن ترجمه: حسن
 مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۲۰ ص. - تصویر: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک: 978-622-99507-4-6
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: Exorcising terror: the incredible unending trial of general Augusto Pinochet, c. 2002.
 عنوان دیگر: محاکمه شگفت‌انگیز و پایان‌ناپذیر ژنرال آگوستو پینوشه.
 موضوع: پینوشه اوگارت، آگوستو، محاکمه‌ها، دعاوی و غیره.
 Trials litigation, ex. Pinochet ugarte, Augusto. -- موضوع:
 موضوع: محاکمه‌های سیاسی -- انگلستان
 Trials (Political crimes and offenses) -- Great Britain: موضوع:
 موضوع: محاکمه‌ها (نسل‌کشی) -- اسپانیا
 Trials (Genocide) -- Spain: موضوع:
 موضوع: قربانیان تروریسم دولتی -- شیلی
 Victims of state-sponsored terrorism -- Chile: موضوع:
 موضوع: جرایم سیاسی -- شیلی
 Political crimes and offenses -- Chile: موضوع:
 موضوع: استرداد مجرمین -- اسپانیا
 Extradition -- Spain: موضوع:
 موضوع: شکنجه و آزار -- شیلی -- تاریخ -- قرن ۲۰ م.
 Torture -- Chile -- History -- 20th century: موضوع:
 موضوع: شیلی -- سیاست و حکومت -- ۱۹۷۳-۱۹۸۸ م.
 Chile -- Politics and government -- 1973-1988: موضوع:
 شناسه افزوده: شمس، زهرا، ۱۳۶۷ - ، مترجم
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹۵۹ پ/۳۷۳ KD
 رده بندی دیویی: ۳۴۵/۴۲۰۵۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۰۶۳۸۳

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر کرگدن: تهران، صندوق پستی ۱۷۱۶-۱۳۱۴۵

www.kargadanpub.com

[telegram.me/kargadanpub](https://t.me/kargadanpub)



نشر کرگدن

شکستن طلسم وحشت: محاکمه ننگ: سانگیز و پایان ناپذیر ژنرال آگوستو پینوشه

نویسنده: آریل دورفمن

مترجم: زهرا شمس

ویراستار: شادی جاجرمی زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: نقش جوهر

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۵۰۷-۴-۶

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

فهرست

۱	پیشکش
۵	پیش‌گفتار
۱۱	شکستن طلسم وحشت
۱۷۳	سخن پایانی نخست: سایه شیلی
۱۷۵	سخن پایانی دوم: وداعی طولانی با حاکمان مستبد
۱۸۷	چند کلمه پایانی در مقام قدردانی
۱۹۱	برای مطالعه بیشتر
۱۹۳	درباره نویسنده

پیش‌گفتار

در جریان کودتای ۱۹۷۹، رهبران جدید ارتش شیلی که تعداد زیادی زندانی سیاسی روی دستشان بافته بود، ایده‌ای به ذهنشان خطور کرد که لابد فکر بکری به نظر رسیده است: پطه، استادیوم ملی، بزرگ‌ترین محوطه ورزشی کشور، را به یک اردوگاه گلوله‌آسا تبدیل کنیم؟ چند ماه بعد، پس از اینکه هزاران مخالف را دستگیر و شکنجه کردند، پس از اینکه صدها نفر بازجویی و اعدام شدند، مقامات زمین را را ساییدند و نیمکت‌ها را رنگ زدند و استادیوم را دوباره به روی عموم باز کردند. داورها دوباره در سوت‌هایشان دمیدند، توپ دوباره در همان میدان تن خرد ... و به تدریج فوتبال‌دوست‌ها شروع کردند به برگشتن.

ده سال بعد از کودتا، وقتی اجازه پیدا کردم از تبعید برگردم، وقتی بالأخره به شیلی راهم دادند، یکی از تصمیم‌هایی که گرفتم این بود که دوباره در آن استادیوم نگذارم، و طی هفت سال بعد، که گاهی در کشورم ساکن بودم و گاهی به آنجا سر می‌زدم، پای قولم ماندم. فقط بعد از بازگشت دموکراسی به کشورم بود که من هم توانستم خودم را راضی کنم به آنجا برگردم، به استادیومی که در روزهای استقرار دموکراسی آن‌همه رویداد ورزشی را آنجا تماشا کرده بودم. چیزی که بی‌تابانه نیاز داشتم این بود که

شاهد اتفاقی باشم که بتواند آن استادیوم را زیر و رو کند، اتفاقی که ادعای مردود و شرم‌آور معمولی بودن آن استادیوم را پس بزند و درد هولناکی که پژواکش را هنوز می‌شد آنجا شنید به رخ بکشد؛ و در روز ۱۲ مارس ۱۹۹۰، فردای روزی که پینوشه به نفع پاتریسیو آیلوین^۱ از ریاست‌جمهوری کناره‌گیری کرد، مردم شیلی کاری را که برای بیرون راندن ارواح خبیث آن استادیوم لازم بود انجام دادند، در پیشگاه رشته‌کوه باشکوه آند. هفتاد هزار نفر هوادار در استادیوم جمع شدند تا به حرف‌های رئیس‌جمهور منتخب جدید گوش بدهند، در نخستین مواجهه او با سرزمینی که جان تازه‌ای در کالبدش دیده شده بود - و آیلوین ناامیدمان نکرد. در سخنرانی‌اش به جنایات اشاره کرد که روی همین سکوها و در همین زمین رخ داده بود و سوگند خورد که: «nunca mas» «دیگر هرگز». اما برای نجات استادیوم از چنگال شیالینش، سوپرتر از کلمات آیلوین، سوگواری جمعی‌ای بود که پیش از آن سخنرانی، خراب شده بود.

هفتاد هزار مرد و زن - چهار ساکت شدند با شنیدن صدای تکنوازی پیانیستی که آن پایین، روی زمین چمن، داشت واریاسیونی از یکی از ترانه‌های ویکتور خارا را می‌نواخت - خواننده بارز بلندآوازه‌ای که چند روز بعد از کودتا به دست ارتش کشته شد - ملایمی که خاموش شد، گروهی زن با دامن سیاه و بلوز سفید وارد شدند، راکت‌هایی از عکس ناپدیدشدگان نشان. و بعد یکی از زنان - همسر؟ دختر؟ مادر؟ - شروع کرد به کوئکا رقصیدن، رقص ملی ما، تمام تنهایی عظیمش را در رقصید، چون رقصی را به تنهایی اجرا می‌کرد که در اصل برای یک زوج طراحی شده بود. لحظه‌ای سکوت بهت‌آلود بر فضا حاکم شد و به دنبالش صدای مردم، که آرام، مردد، شروع کردند به کف زدن همراه با موسیقی، صدای به هم کوبیدن

۱. Patricio Aylwin: (۱۹۱۸-۲۰۱۶)، سیاستمدار دموکرات - مسیحی شیلیایی، از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۲ و یک دور دیگر از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ رئیس‌جمهور شیلی بود. - م.

سرکش اما لطیف دست‌ها که به کوه‌های تماشاگر همان نزدیک می‌گفتند ما در این سوگ شریک‌ایم، ما هم با همه عشق‌های گمشده‌مان در تاریخ، با همه مردگانمان می‌رقصیم، و از هیچستانی که پینوشه به آنجا تبعیدشان کرده، به نحوی بازشان می‌گردانیم. و ارکستر سمفونیک شیلی، گویی از ورای زمان پاسخ ما را بدهد، ناگهان شروع کرد به نواختن گُرال سمفونی نهم بتهوون، سرودی که جنبش مقاومت شیلی در نبردهای خیابانی‌اش برگزیده بود، «سرود شادی شیلر»، پیشگویی او از روزی که «انسان شود بر در انسان».

پیش از آن مردم ندیده بودم - و دیگر هیچ‌وقت نمی‌خواهم ببینم - که هفتاد هزار نفر با هم گریه کنند و با رفتگانشان وداع بگویند. و در عین حال، آن وظیفه نداشتند دردناک، وظیفه‌ای بود که آن روز بر دوش خود گذاشتیم: در سال‌های پیش رو باید هر جایی را که پینوشه طلسم کرده، یک به یک آزاد کنیم.

معلوم شد این وظیفه‌ای است که ما نمی‌توانیم از عهده‌اش برآیم. معلوم شد این وظیفه‌ای است که برای انجامش نیاز به اندکی کمک از دوستانمان داریم.